

ساخت و اعتباریابی پرسش‌نامه اولیه انصاف براساس منابع اسلامی

abakhtiyari1364@chmail.ir

mirderikvandi@qabas.net

bonyani.1386@yahoo.com

ابوالفضل بختیاری / کارشناس ارشد روان‌شناسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

رحیم میردیریکوندی / استادیار گروه روان‌شناسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

محمدرضا بنیانی / دکتری روان‌شناسی بالینی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

دریافت: ۱۳۹۸/۰۶/۰۶ - پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۱۶

چکیده

این پژوهش با هدف ساخت پرسش‌نامه اولیه انصاف، براساس منابع اسلامی انجام گرفت. از روش تحلیل محتوا و روش نمونه در دسترس، ۱۰۰ نفر از سربازان آموزشی مرکز آموزش عمومی شهید بیگلری ناجا، شهرستان مشگین شهر استان اردبیل، بهره برده شد. برای بررسی روایی محتوا، مؤلفه‌های دارای شاخص CVI ۰/۹۹ به بالا و گویه‌های دارای شاخص CVI ۰/۸۷ به بالا، تأیید شد. روایی ملاک با محاسبه ضریب همبستگی این پرسش‌نامه ۰/۷۱۱ بوده و در سطح ۰/۰۰ معنادار است. مؤلفه‌های نظری این پژوهش که مورد تأیید کارشناسان قرار گرفت، عبارتند از: خوف الهی، عدم تعصب کورکورانه، یکسان‌انگاری خود - دیگری، مدیریت شهوات و هوس‌ها، عدم ترجیح افراد در موقع حکم، گفتن حق تحت هر شرایطی (هرچند بر ضرر خویش) و سوءاستفاده نکردن از قدرت و جایگاه. پایایی پرسش‌نامه از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۹۷ برخوردار است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

کلیدواژه‌ها: انصاف، ساخت، پرسش‌نامه، روایی و پایایی.

دانشمندان علم اخلاق در آثار خدا «انصاف» را به‌عنوان یکی از فضائل مورد بررسی قرار داده‌اند. یکی از نشانه‌های مهم اخلاق حسنه و آداب معاشرت، انصاف است؛ چون بسیاری از مردم در مرحلهٔ ادعا و حرف، به خوبی از عهدهٔ آن برمی‌آیند، ولی هنگامی که در مرحلهٔ عمل کسانی که حقیقتاً انصاف را رعایت کنند، بسیار اندک‌اند. امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود: «... فالحق أوسع الأشياء في التواصف و أصدقها في التناصف...» (نهج البلاغه، ۱۳۷۹، خطبه ۲۱۶)، دایرهٔ حق در مقام توصیف و تعریف از هر چیز، گسترده‌تر است. اما هنگام عمل؛ یعنی ادای حق و عمل به آن، از هر چیز تنگ‌تر و محدودتر است. مقصود این است که بسیاری از مردم، حق را خوب تعریف و توصیف می‌کنند، اما در مقام عمل، خود را در تنگنا می‌بینند و به‌آسانی حاضر نیستند حق را به حق‌دار بسپارند (مهدوی کنی، ۱۳۸۶، ص ۵۷۰).

قرآن کریم، مردم را دعوت می‌کند که در همهٔ شرایط و در همهٔ حالات، عدالت و انصاف را رعایت کنند: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ» (نحل: ۹۰)، در تفسیر این آیه آمده است: قال علی علیه السلام: فی قوله تعالی: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ». العدل الانصاف و الاحسان التفضل (عباشی، ۱۳۹۵، ترجمه صالحی، ج ۲، ص ۲۶۷).

انصاف در روان‌شناسی اجتماعی، در بحث پویایی‌های گروه و جاذبه‌های میان‌فردی مطرح شده است. عدالت‌ورزی در یک گروه، بهترین وسیله برای بقای آن و مایهٔ نشاط و پویایی گروه است. رعایت انصاف، که بعدی از عدالت‌ورزی محسوب می‌شود، به دلیل قوت بخشیدن به روابط اعضا و تداوم آن، به استمرار گروه کمک می‌کند. صمیمیت بیشتر در روابط عاطفی و علاقه‌مندی به گروه و رهبری، از آثار رعایت انصاف در گروه است (آذربایجانی و همکاران، ۱۳۸۷، ص ۴۲۱).

در روان‌شناسی مثبت، که بر توانمندی‌ها و داشته‌های فرد تأکید دارد، شش دسته از فضائل اخلاقی را که هر یک دارای توانمندی‌هایی می‌باشد، مطرح و تحلیل کرده‌اند و برای هر فضیلتی، چند توانمندی را مطرح نموده‌اند که یکی از آن توانمندی‌ها، انصاف است؛ روان‌شناسان، انصاف را چنین تعریف می‌کنند: سوگیری نداشتن در تصمیم‌ها و قضاوت‌های خود، کنار گذاشتن تعصب‌های گروهی، قومی و نژادی (پترسون و سلینگمن، ۲۰۰۴، ج ۱، ص ۸۷).

از دیدگاه بوربا (Borba؛ ۲۰۰۵)، هوش اخلاقی شامل هفت فضیلت: همدلی، وجدان، خویشتن‌داری، احترام، مهربانی، بردباری و انصاف است. بوربا، در تعریف انصاف می‌نویسد: انتخاب اینکه فرد با سعهٔ صدر باشد و عادلانه و غیرمفرضانه رفتار کند (بوربا، ۱۳۹۰، ص ۳۱). افراد با انصاف، این شجاعت را دارند که از کسانی که با بی‌انصافی با آنها رفتار شده، جانبداری کنند. همچنین خواهان آن باشند که با تمامی مردم، صرف‌نظر از نژاد، فرهنگ، ظاهر، جنسیت، موقعیت اقتصادی، توانایی، یا مذهب به‌طور یکسان و عادلانه رفتار شود و آنها این کار را می‌کنند (همان، ص ۲۷۵). انصاف، محصولی از قضاوت اخلاقی است؛ فرایندی که توسط مردم تعیین می‌شود که چه چیزی اخلاقاً صحیح، چه چیزی اخلاقاً ناصحیح (غیرمنصفانه رفتار کردن) و چه چیزی اخلاقاً بد است (همان، ص ۳۹۱).

انصاف، هرچند با عدالت مشترکاتی با هم دارند، ولی به معنای عدل تلقی نشده است؛ زیرا از نظر کتب لغت، بین عدل و انصاف تفاوت است؛ «عدل» در مقابل «ظلم و ستم» می‌باشد، ولی «انصافی» در مقابل «تعصب و حمیت» قرار دارد.

انصاف، تقسیم برابر و بیشتر در امور حسی است. درحالی‌که عدالت در امور محسوس و غیر آن، و انجام گرفتن متناسب امور است. از این‌رو، بریدن دست دزد را عدل می‌نامند، ولی انصاف نمی‌نامند (عسکری و جزایری، ۱۴۱۰ق، باب ۱۸، ص ۱۹۴).

برخی از صفات اخلاقی و شخصیتی، تأثیر بیشتری در ارتباطات افراد دارند، که انصاف از جمله آنهاست. اهمیتی را که عالمان دینی برای فضیلت انصاف قائل هستند، به دلیل اهمیت و تأکیدی است که متون روایی نسبت به این فضیلت وجود دارد؛ مانند این روایت که امیرمؤمنان علی علیه السلام، درباره اهمیت این فضیلت می‌فرماید: «مع الإنصاف تدوم الأخوه» انصاف، دوستی را پایدار می‌کند (نوری طبرسی، بی‌تا، ج ۱۱، ص ۳۱۰).

«انصاف» در لغت، مصدر باب افعال، از ماده «نصف» است، «أنصفت الرجل إنصافاً عاملته بالعدل و القسط» (فیومی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۶۰۸). «انصاف» عبارت است از: تقسیم چیزی به دو قسمت برابر؛ نصف آن را به دیگری دادن و نصف دیگر را گرفتن بدون هیچ‌زبادی و کمی (عسکری، ۱۴۱۰ق، ص ۸۰). انصاف، واژه‌ای عربی به معنای «نیمه چیزی» است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۸۱۰). در متون لغوی فارسی، این معانی برای واژه «انصاف» بیان شده است: «داد دادن»، «عدل و داد کردن»، «راستی کردن»، «به نیمه رسیدن»، «نیمه چیزی گرفتن» و «میان‌ه روی» (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۳، ص ۳۵۵۸).

واژه «fairness» در زبان انگلیسی، معادل همان معنای انصاف در زبان عربی و فارسی است که در معنای «بی‌طرفی»، «صداقت»، «رهایی از منفعت شخصی و هرگونه پیش‌داوری» به کار می‌رود (سایت نورمگز به نقل از مقاله مفهوم انصاف در اخلاق اسلامی و نسبت آن با قاعده زرین، ص ۴۲ و ۴۳). کاربرد واژه «fair»، هم‌تراز equity (انصاف) زمانی بعد در انگلیسی، دوره وسطی باب شد (آمارتیا، ۱۳۹۱، ص ۱۰۸).

در ادب پارسی، نصف چیزی را گرفتن و برابری بین دو طرف است. به معنای قسط، دادگری، عدل و معدلت، حق، احقاق حق کردن، انصاف دادن، انصاف کردن نیز، فراوان آمده است (دهخدا، ۱۳۷۷، ذیل واژه انصاف).

انصاف این است که اعطا کنی به دیگران از حق، مانند حقی که از دیگران برای خود طلب می‌کنی (حسینی زبیدی، ۱۴۰۸ق، ج ۲۴، ص ۴۱۳). به عبارت دیگر، انصاف، عبارت است از: یکسان‌نگری و یکسان‌رفتاری خود و دیگران، به‌گونه‌ای که انسان خود را چون دیگران و دیگران را همانند خود ببیند و در مورد خود و دیگران، یکسان ببیند و یکسان رفتار کند (جمشیدی، ۱۳۸۰، ص ۱۶۶). انصاف، پاس داشتن عدل و داد و رعایت حق مردمان و با آنان به راستی رفتار کردن است (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۶، ص ۹۸).

انصاف، یکی از فضایل اخلاقی است که این‌گونه تعریف می‌گردد: «انصاف به معنای اقرار به حقوق دیگران و ادای آن می‌باشد؛ یعنی نسبت به دیگران داوری عادلانه داشته و تعصب‌های گروهی، قومی و نژادی را کنار گذاشته و سنجگری در تصمیم‌ها و قضاوت‌های خود نداشته باشیم و خود را جای دیگران گذاشته و حق را اگرچه با دیگران باشد بپذیریم».

مفهوم «انصاف»، یک مفهوم اخلاقی است و در روان‌شناسی و منابع اسلامی، به یک معنا به کار رفته است؛ یعنی هم در حوزه اخلاق و هم در حوزه روان‌شناسی، دارای یک مفهوم است. بنابراین، محقق در این پژوهش انصاف را در اخلاق و مفاهیم شبیه به آن مانند عدالت، تنصیف، استقامت بر حق و قسط و مفاهیم مخالف آن؛ یعنی تعصب و حمیت را مورد بررسی قرار داده است. در تعریف انصاف، در منابع اسلامی و روان‌شناسی، تشابه زیادی وجود دارد و در هر دو حوزه، مربوط به روابط میان فردی می‌شود. از انصاف در روان‌شناسی اجتماعی، روان‌شناسی مثبت و هوش اخلاقی بحث شده است.

انصاف در روان‌شناسی اجتماعی، در بحث پویایی‌های گروه و جاذبه‌های میان‌فردی مطرح شده است. رعایت انصاف، که بعدی از عدالت‌ورزی محسوب می‌شود، به دلیل قوت بخشیدن به روابط اعضای گروه و استمرار آن، به استمرار گروه کمک می‌کند. صمیمیت بیشتر در روابط عاطفی و علاقه‌مندی، به گروه و رهبری، از آثار رعایت انصاف در گروه است (آذربایجانی و همکاران، ۱۳۸۷، ص ۴۲۱).

برخی از صفات اخلاقی و شخصیتی، تأثیر بیشتری در جاذبه‌های میان‌فردی دارند که انصاف از جمله آنهاست. از رموز موفقیت در استحکام و تداوم دوستی، رعایت انصاف در برخورد با دیگران، به‌ویژه دوستان است (همان، ص ۲۶۵).

در حالت گروهی، فرد به جای پیگیری و پاسخ به نتایج مادی فردی، عمدتاً به آنچه برای گروه خوب است و آنچه می‌تواند برای رسیدن به هدف‌های گروهی انجام دهد، علاقه نشان می‌دهد. هنگامی حس گروهی در انسان برانگیخته می‌شود که احساس برخورد منصفانه داشته باشد و در صورت داشتن احساس برخورد غیرمنصفانه، حس گروهی در انسان از بین می‌رود (رضائیان، ۱۳۸۴، ص ۷۵). افراد، انصاف را برای تنظیم روابطشان با دیگران به کار می‌برند. به عبارت دیگر، افرادی که با آنان منصفانه برخورد می‌شود، بدون چون و چرا، می‌توانند با برخوردهای منصفانه خود، پاسخ‌های مطلوب در جهت هدف‌های سازمان یا محل کارشان ارائه دهند (همان، ص ۸۳ و ۸۴).

در روان‌شناسی مثبت، که بر توانمندی‌ها و داشته‌های فرد تأکید دارد، شش دسته از فضائل اخلاقی را که هریک دارای توانمندی‌هایی است، مطرح و تحلیل کرده‌اند. برای هر فضیلتی، چند توانمندی را مطرح کرده‌اند که یکی از آنها، «انصاف» می‌باشد (پترسون و سلیگمن، ۲۰۰۴، ج ۱، ص ۸۷).

انصاف موجب می‌شود تا کودک با دیگران عادلانه، منصفانه و بی‌طرفانه رفتار کند. بنابراین، با رعایت قانون، نوبت و شراکت با دیگران، بازی کند و پیش از قضاوت، همه جوانب را کاملاً بسنجد؛ چون این فضیلت، حساسیت

اخلاقی کودک شما را افزایش می‌دهد. این شجاعت را خواهد داشت تا از کسانی که در حقشان بی‌عدالتی شده است، حمایت کند و خواستار این باشد که با همه مردم به‌طور یکسان رفتار شود (بوربا، ۱۳۹۰، ص ۳۰).

ضدعصبیت و کتمان حق، انصاف و ایستادن بر حق است و این دو، از صفات کمالیه هستند و صاحب آنها در دنیا و آخرت عزیز و محترم و در نزد خالق و خلق، مقبول و مکرم است (نراقی، ۱۳۹۰، ص ۳۰۳). انصاف، که خود را به جای دیگران گذاشتن و حق را اگرچه با دیگران باشد، پذیرفتن است، ضدکتمان حق و حق‌ستیزی است؛ عدم انصاف و عصبیت تعصب نابجا، برآیند افراط در قوه غضبیه است (طباطبائی، ۱۳۸۹، ج ۱۳، ص ۲۱۴). انصاف داشتن با مردم، که از زیباترین خصلت‌های اخلاقی است، از نظر لغت به معنای اقرار به حقوق مردم و ادای آنهاست (انصاریان، ۱۳۸۶، ص ۳۸۲). «انصاف دل‌ها را به یکدیگر پیوند می‌زند» (تیمی آمدی، ۱۳۶۶، ح ۱۱۳۰). رعایت انصاف، از قضاوت عجولانه جلوگیری می‌کند و ریشه‌های اختلاف را می‌زداید (همان، ح ۱۷۰۲). از این‌رو، اشخاص بالانصاف، یاران و دوستان بسیاری دارند (همان، ح ۲۱۱۶).

انصاف به معنای به عدل و داد رفتار نمودن و نسبت به دیگران داوری عادلانه داشتن است. از رموز موفقیت در استحکام و تداوم دوستی، رعایت انصاف در برخورد با دیگران به‌ویژه دوستان است (آذربایجانی و همکاران، ۱۳۸۷، ص ۲۶۵). انصاف، در روابط اجتماعی؛ یعنی سود و زیان را میان خود و دیگران تقسیم کردن و در مقام داوری، حقوق طرفین دعوا را به طور برابر رعایت کردن. خلاصه، انصاف از روح گذشت و احترام به حقوق دیگران ناشی می‌شود و شخص منصف، کسی است که برای دیگران حقوق برابر قائل باشد و مزایای زندگی را میان خود و مردم تقسیم کند. بعضی از مردم، دیگران را به انصاف توصیه می‌کنند، ولی شخصاً انصاف را نسبت به سایرین رعایت نمی‌کنند. بدین ترتیب، در روایاتی که راجع به انصاف وارد شده، عبارت «انصاف الناس من نفسک» آمده است؛ یعنی آنجا که میان خود و مردم به قضاوت می‌نشین، از خود مایه گذار و دیگران را صاحب حق بدان و حقوقی را که نسبت به تو دارند، رعایت کن (همان، ص ۵۷۱).

تعریف منتخب، «انصاف به معنای اقرار به حقوق دیگران و ادای آن می‌باشد؛ یعنی نسبت به دیگران داوری عادلانه داشتن و تعصب‌های گروهی، قومی و نژادی را کنار گذاشتن و سوگیری در تصمیم‌ها و قضاوت‌های خود نداشتن و خود را جای دیگران گذاشتن و حق را اگرچه با دیگران باشد، پذیرفتن است».

یکی از کارهایی که اخیراً در روان‌شناسی انجام می‌شود، این است که مفاهیم و سازه‌ها را با ساخت پرسش‌نامه و آزمون، کمی‌سازی می‌کنند. بسیاری از سازه‌ها و مفاهیمی که در روان‌شناسی معاصر تعریف، اندازه‌گیری و به کار برده می‌شود، در کشورها و فرهنگ‌های توسعه‌یافته است که در برخی موارد، به شکل بنیادی با سایر فرهنگ‌ها، به‌ویژه فرهنگ‌هایی که شالوده‌آسانی آنها بر دین و آموزه‌های دینی قرار دارد، به گونه قابل ملاحظه‌ای متفاوت است که از جمله این مفاهیم و سازه‌ها مفهوم انصاف و پرسش‌نامه‌های مرتبط با آن است.

با توجه به اینکه هدف ابتدایی این پژوهش، تعیین مؤلفه‌ها و تهیه پرسش‌نامه انصاف براساس منابع اسلامی

است. از سوی دیگر، با توجه به تأکید فراوانی، که در منابع اسلامی بر رعایت انصاف وجود دارد، ساخت یک ابزار معتبر و روا که بتواند انصاف را براساس منابع دینی اندازه‌گیری کند، ضرورت می‌یابد. این امر، می‌تواند با مفهوم انصاف در روان‌شناسی، سازه‌ای جدید در ساختار یک پرسش‌نامه ارائه دهد تا مسیر را برای سایر پژوهشگران هموار کرده و نتایج مثبتی به دست آورد. از این رو، کمی‌سازی سازه‌ها و مفاهیم روان‌شناختی و اخلاقی و تهیه ابزارهای روان‌شناختی در تحقیقات، یکی از نیازهای اساسی و یکی از اهداف این پژوهش است. همان‌طور که بسیاری از سازه‌ها و مفاهیمی که در روان‌شناسی معاصر تعریف، اندازه‌گیری و به کار برده می‌شوند و حتی پژوهشی که انصاف را از نگاه روان‌شناختی مورد بررسی قرار دهد، یافت نشد. به عبارت دیگر، هنوز پژوهش مستقلی در مورد غفلت، تعریف دقیق و بیان مؤلفه‌ها، آسیب‌ها و نشانه‌های آن با استفاده از منابع اسلامی و ساخت پرسش‌نامه آن براساس آیات و روایات انجام نشده است. افزون بر اینکه، پژوهشی در زمینه بررسی تطبیقی انصاف در روان‌شناسی و منابع اسلامی به چشم نمی‌خورد. ضرورت دیگر اینکه، پرسش‌نامه‌ای مبتنی بر فرهنگ اسلامی، به‌صورتی که کاملاً منابع روایی و آیات قرآن را شامل شود، ساخته نشده است.

کاستی‌های پژوهش‌های قبلی در این است که در کشور ما تاکنون پژوهش‌ها، بیشتر به معرفی جنبه مفهومی انصاف متمرکز بوده‌اند که در این زمینه نیز با کاستی و نقص‌های قابل‌توجهی روبه‌رو بوده‌اند. در واقع، براساس منابع اسلامی، اقدام به تهیه مؤلفه‌های انصاف و ساخت پرسش‌نامه کاملی برای سنجش آن صورت نگرفته است. از این رو، در این پژوهش به پرسش‌های زیر پاسخ داده خواهد شد:

مؤلفه‌های مفهومی انصاف در منابع اسلامی کدام‌اند؟ روایی محتوایی و ملاک این مقیاس چگونه است؟ از چه میزان پایایی برخوردار است؟

روش پژوهش

این تحقیق به لحاظ هدف، پژوهشی از نوع تحقیق و توسعه است. به لحاظ جمع‌آوری، تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز از دو روش تحلیل محتوا و پیمایشی استفاده شده است. از روش «تحلیل محتوا» برای بررسی، توصیف، دسته‌بندی، مقایسه، تجزیه و تحلیل مفاهیم محتوای آشکار پیام‌های موجود در متون دینی، مرتبط با موضوع به کار گرفته شده است (شریعتمداری، ۱۳۸۸، ص ۷۷). از سوی دیگر، چون هدف نهایی این پژوهش، ساخت پرسش‌نامه اولیه در زمینه انصاف است، مستلزم ارزیابی روایی و پایایی آن، به صورت میدانی است. به همین دلیل، می‌توان روش تحقیق در این قسمت پژوهش را «پیمایشی» دانست.

جامعه آماری این پژوهش، شامل سربازان آموزشی مرکز آموزش عمومی شهید بیگلری ناجا مشکین‌شهر (در پنج مقطع سیکل، دیپلم، فوق‌دیپلم، کارشناسی و کارشناسی ارشد در سال ۹۸) هستند. حجم این جامعه، به طور تقریبی برابر با ۱۵۰۰ نفر می‌باشند. تعداد ۱۰۰ نفر از این جامعه، به‌عنوان نمونه انتخاب شد.

ابزار پژوهش این تحقیق، پرسش‌نامه محقق‌ساخته‌ای است که در فرایند پژوهش، پایایی و روایی آن محاسبه می‌شود.

روش جمع‌آوری داده‌ها: در این پژوهش، داده‌ها طی دو مرحله جمع‌آوری شد. مرحله اول، مربوط به مفهوم‌شناسی «انصاف» براساس منابع اسلامی و مرحله دوم، مربوط به ساخت و اعتباریابی پرسش‌نامه بود. **شیوه اجرا:** مراحل ساخت پرسش‌نامه انصاف، براساس منابع اسلامی و روش انجام کار به شرح زیر بود:

مرحله اول: تدوین مفهوم «انصاف» براساس منابع اسلامی بوده که شامل آیات و روایات موجود در منابع اسلامی می‌باشد. این مرحله، در طی چند گام انجام گردید. در گام نخست، آیات قرآن و روایات معصومان^{علیهم‌السلام} جمع‌آوری شد. در گام دوم، آیات قرآن و گزاره‌های روایی برای استخراج مؤلفه‌ها، بررسی شد. در گام سوم، مفاهیم استخراج‌شده از گزاره‌های دینی در مورد انصاف مشخص، توصیف و تبیین شد. در گام چهارم، با استفاده از این مؤلفه‌ها، تعریفی جدید از مفهوم «انصاف» در منابع اسلامی مطرح شد.

مرحله دوم: گویه‌های پرسش‌نامه براساس گزاره‌های دینی تدوین شدند. این کار، براساس مؤلفه‌های مفهومی استخراج شده و اصول روان‌سنجی انجام شد. برای طراحی این گویه‌ها، طبق نظر کارشناسان، نکاتی مورد توجه قرار گرفت: محدود کردن هر گزاره به یک مفهوم، کاربرد ساده‌ترین عبارات، تعداد گویه‌های ابتدایی هم بیشتر در نظر گرفته شد؛ چراکه در مراحل تجدیدنظر و تجزیه و تحلیل، احتمالاً تعدادی از آنها حذف می‌شوند. در نتیجه، در ابتدا ۷۲ گویه طراحی شد و (CVR، CVI) بررسی شد. در این مرحله، از نظر ۱۰ نفر از کارشناسان علوم اسلامی و روان‌شناسی، در هر دو بخش (مؤلفه‌ها و گویه‌ها) استفاده شد. در این بخش، دو جدول جداگانه برای مؤلفه‌ها و گویه‌ها، براساس طیف لیکرت چهار درجه‌ای در بخش مطابقت و براساس لیکرت سه درجه‌ای در بخش ضرورت طراحی و در اختیار کارشناسان قرار گرفت و ۲۸ گویه در این بخش تأیید گردید.

مرحله چهارم: ۲۸ گویه مذکور بین ۱۰۰ نفر از سربازان آموزشی مرکز آموزش عمومی شهید بیگلری ناجا مشکین شهر، اجرا شد. برای بررسی روایی محتوا، از روش CVR و CVI و برای بررسی پایایی این پرسش‌نامه، از روش محاسبه آلفای کرونباخ استفاده شد.

پرسش‌نامه «انصاف» در فرم لیکرت، پنج درجه‌ای طراحی و به‌صورت معکوس نمره گردید. در اجرای پرسش‌نامه، در نمونه ۱۰۰ نفری مشخص شد که حداقل نمره (۲۸)، نشانگر «انصاف پایین» و حداکثر نمره (۱۴۰) نشان‌دهنده «انصاف بالا» است.

یافته‌های پژوهش

در یافته‌های پژوهش، محقق ۷ مؤلفه نظری را که از منابع اسلامی (آیات و روایات) استخراج شده بود، را در اختیار ۱۵ کارشناس قرار داد که از بین این تعداد، ۱۰ نفر از کارشناسانی که نظر خود را ارائه کرده بودند، جمع‌آوری شد و پس از بررسی روایی محتوایی، ۷ مؤلفه نظری تأیید شد.

جدول ۱: بررسی CVI و CVR مؤلفه‌ها

ردیف	مؤلفه‌ها	نمره CVR	نمره CVI
۱	ترس از خدا	۰/۸	۰/۹
۲	عدم تعصب کورکورانه	۰/۸	۱
۳	یکسان‌انگاری خود - دیگری	۱	۱
۴	مدیریت شهوات و هوس‌ها	۱	۱
۵	عدم ترجیح افراد در موقع حکم	۱	۱
۶	گفتن حق تحت هر شرایطی (هر چند بر ضرر خویش)	۰/۸	۱
۷	سوءاستفاده نکردن از قدرت و جایگاه	۱	۱

حال باید در بخش ضرورت (CVR)، مؤلفه‌ای که کمتر از ۰/۶۲ و در بخش مطابقت (CVI) مؤلفه‌ای که کمتر از ۰/۷۹ نمره داشت، حذف می‌شد که هیچ‌یک از مؤلفه‌ها حذف نشد، لذا ۷ مؤلفه تأیید شد.

جدول ۲: مؤلفه‌های تأیید شده

مؤلفه‌ها:
ترس از خدا
عدم تعصب کورکورانه
یکسان‌انگاری خود - دیگری
مدیریت شهوات و هوس‌ها
عدم ترجیح افراد در موقع حکم
گفتن حق تحت هر شرایطی (هر چند بر ضرر خویش)
سوءاستفاده نکردن از قدرت و جایگاه

این مؤلفه‌ها و تبیین آنها به شرح زیر است:

۱. **ترس از خدا:** این مؤلفه، اولین مؤلفه از مفهوم انصاف و به‌معنای این است که برای افراد متقی و خداترس، رفتار منصفانه با مردم اهمیت زیادی دارد. آنان باید در زندگی روزمره و تعامل با مردم، انصاف را رعایت می‌کنند، و تلاششان بر این باشد که با دیگران منصفانه رفتار کنند. به عبارت دیگر، این مؤلفه بیانگر این است که هر فردی اگر ترس از خدا در وجودش نباشد، به‌راحتی حق دیگران را زیر پا می‌گذارد و انصاف را رعایت نمی‌کند. امام کاظم علیه السلام فرمود: «در نهان از خدا بترسید تا از خود انصاف دهید» (به حق قضاوت کنید اگرچه به زیانتان باشد، و چنین نکند جز کسی که در نهان از خدا بترسد) (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۴۵۷).

۲. **عدم تعصب کورکورانه:** این مؤلفه، دومین مؤلفه از مفهوم انصاف است و به‌معنای این است که ویژگی انصاف، موجب می‌شود که انسان، تعصب بی‌جا از خود نشان ندهد. به عبارت دیگر، با وجود اینکه از یک قوم و قبیله و نژاد هستند، حق را به حق‌دار می‌دهد و به‌دلیل نسبت فامیلی، تعصب بی‌جا به خرج نمی‌دهد و حق دیگران را زیر پا نمی‌گذارد. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «... دشمنی با گروهی دیگر وادارتان نکند که عدالت نورزید...» (مائده: ۸).

۳. **یکسان‌نگاری خود - دیگری:** این مؤلفه، سومین مؤلفه از مفهوم انصاف است و به‌معنای این است که ویژگی انصاف، مانع از آن است که انسان در رسیدن به حق، خود را برتر از دیگران بداند؛ یعنی آنچه را برای خود می‌پسندد، برای دیگران نیز می‌پسندد. آنچه را برای خود نمی‌پسندد، برای دیگران نیز نمی‌پسندد؛ یعنی در تقسیم چیزی میان خود و دیگری، حق دیگران را زیر پا نمی‌گذارد و برای دیگران، سهمی به اندازه سهم خود قائل است.

۴. **مدیریت شهوات و هوس‌ها:** این مؤلفه، چهارمین مؤلفه از مفهوم انصاف است و به‌معنای این است که انسان، گاه به علت پیروی از شهوات، انصاف را زیر پا می‌گذارد. به‌عبارت دیگر، این نفس سرکش انسان، آدمی را به زشتی‌ها و پلیدی‌ها دعوت می‌کند و خواهان پیروی از خویش است. امیرمؤمنان علی علیه السلام خطاب به مالک رضی الله عنه / شتر نخعی فرمودند:

ای مالک، ... بر هوا و هوس مسلط باش، نفس را بخیلانه از ناروا بازدار که بخل به نفس انصاف درباره آن است در آنچه دوست دارد یا ندارد (گاه مطلوب نفس به زیان است و نامطلوبش به سود، پس انصاف در حق او این است که در هر جا مصلحتش را رعایت کنی نه خواسته‌اش را) مهر و محبت، لطف و احسان برعیت را در دل پیروز (نهج‌البلاغه، ۱۳۷۹، نامه ۵۳، ص ۲۹۸).

۵. **عدم ترجیح افراد در موقع حکم:** این مؤلفه، پنجمین مؤلفه از مفهوم انصاف است و به‌معنای این است که شخص منصف موقع حکم کردن، آشنا و غریبه برایش تفاوتی ندارند. به‌درستی که از عدل است اینکه انصاف کنی در حکم و اجتناب نمایی از ستم «ان من العدل ان تنصف فی الحکم و تجتنب الظلم» (نهج‌البلاغه، ۱۳۷۹، کلمات قصار)؛ یعنی عدل همین نیست که کسی خود ستم نکند بر دیگری، بلکه از جمله عدل است نیز این که انصاف کند در حکم و ظلم نکند در آن؛ یعنی هر گاه حکم کند، میان دو کس هر دو برابر باشند. در نظر او و به‌هیچ‌وجه احدی را ترجیح ندهد بر دیگری و ستم نکند در حکم میان ایشان به‌سبب میل به یک طرف، به اعتبار دوستی با او، یا دشمنی با طرف دیگر و مانند آنها از اسباب.

۶. **گفتن حق تحت هر شرایطی (هرچند بر ضرر خویش):** این مؤلفه، ششمین مؤلفه از مفهوم انصاف است و به‌معنای این است که افراد منصف اقرار به حق می‌کنند، هرچند بر ضرر خویش؛ یعنی اگرچه حق با طرف مقابل باشد. امام صادق علیه السلام فرمودند: «عاقل کسی است که در قبول کردن حق آرام و نرم باشد و در مقابل، قول حق انصاف بدهد و سرکش باشد در مقابل باطل، و با قول باطل و ناحق مخالفت کند و از منافع دنیوی دست می‌کشد، ولی از آخرت صرف‌نظر نمی‌کند. خداوند متعال نیز انسان را فطرتاً پاک آفریده است و فطرتاً به دنبال حق است و از اعتراف به حق خرسند می‌شود (مصطفوی، ۱۳۶۰، ص ۱۵۹).

۷. **سوء استفاده نکردن از قدرت و جایگاه:** این مؤلفه هفتمین مؤلفه از مفهوم انصاف است و به‌معنای این است که افراد بالانصاف از پست و مقام خود سوءاستفاده نمی‌کنند. بهتر از همه مردم، کسی است که... در عین قوت انصاف دهد و در حال قدرت بردباری کند (پاینده، ۱۳۸۲، ص ۱۰۶). انصاف دادن برای کسانی که پست‌تر و کوچک‌تر از او هستند. «زکاة القدرة الانصاف»: زکات توانایی، انصاف است؛ یعنی انصاف ورزیدن با مردم و حیف و میل نکردن بر ایشان به‌عنوانی که گویا هر کسی را با خود برابر می‌داند و خود را نصف می‌داند و او را نصف (مصطفوی، ۱۳۶۰، ص ۱۰۵).

حال با توجه به مؤلفه‌های به‌دست‌آمده از منابع اسلامی و با توجه به تعاریف هریک از این مؤلفه‌ها، می‌توان گفت: انصاف براساس منابع اسلامی، یکی از فضایل اخلاقی است که این‌گونه تعریف می‌شود: «انصاف به معنای اقرار به حقوق دیگران و ادای آن است؛ یعنی نسبت به دیگران داوری عادلانه داشته و تعصب‌های گروهی، قومی و نژادی را کنار گذاشته و سوگیری در تصمیم‌ها و قضاوت‌های خود نداشته باشیم و خود را جای دیگران گذاشته و حق را اگر چه با دیگران باشد بپذیریم».

پس از اشاره به مؤلفه‌های نظری پرسش‌نامه انصاف، در ادامه به مباحث آماری، که اعتبار و روایی این پرسش‌نامه را می‌سنجند، اشاره می‌کنیم. برای اینکه روشن شود، پرسش‌های تدوین شده، آن خصیصه موردنظر را مورد سنجش قرار می‌دهد (روایی)، شیوه‌هایی وجود دارد. استانداردهای مربوط به آزمون‌های تربیتی و روانی، سه روش اصلی را برای این موضوع فهرست کرده است که شامل روایی وابسته به محتوا، وابسته به ملاک و وابسته به سازه است (گراث مارنات، ۱۳۷۵، ص ۴۹).

همان‌طور که اشاره شد، ابتدا ۷۲ گویه طراحی شد. نحوه ساخت گویه‌ها به این شکل بود که با توجه به مستندات آنی که در ذیل هر مؤلفه آمده بود، سعی شد گویه‌های متناسب و مطابق با مفاهیم این مستندات ساخته شود. البته سعی می‌شد که گویه‌ها به شکلی باشد که بتوانند نسبت به آنچه در امور زندگی فرد می‌گذرد، همخوانی داشته باشد. به عبارت دیگر، مخاطب بتواند منظور آن گویه را با توجه به ویژگی‌های خود ارزیابی کند. در ادامه، در بخش روایی محتوا، ۴۴ گویه به دلیل عدم مطابقت با مفهوم انصاف، یا عدم ضرورت حذف شد و ۲۸ گویه برای اجرا باقی ماند. میزان آلفای کرونباخ پرسش‌نامه انصاف، برای برآورد اعتبار آن در جدول زیر نشان داده شده است:

جدول ۳: میزان آلفای کرونباخ در پایایی سنجی نهایی

تعداد نمونه	آلفای کرونباخ	تعداد گویه‌ها
۱۰۰	۰/۷۹۷	۲۸

برای ارزیابی روایی ملاک پرسش‌نامه محقق‌ساخته انصاف اسلامی، محقق به اجرای همزمان آزمون همگرا اقدام کرد. بدین صورت که همزمان با پرسش‌نامه انصاف اسلامی محقق‌ساخته، پرسش‌نامه عدالت (خصوصیات قاضی)، که توسط آقای خرسندی از دانش پژوهان موسسه اخلاق و تربیت ساخته شده، بین ۱۰۰ آزمودنی اجرا شد.

جدول ۴: داده‌های مربوط به روایی ملاکی پرسش‌نامه انصاف اسلامی

پرسش‌نامه عدالت (خورسندی)	پرسش‌نامه انصاف (محقق ساخته)	گویه‌ها	
۰/۷۱۱	۱	همبستگی پیرسون	پرسش‌نامه انصاف (محقق ساخته)
۰۰۰		سطح معناداری	
۱۰۰	۱۰۰	تعداد آزمودنی‌ها	
۱	۰/۷۱۱	همبستگی پیرسون	پرسش‌نامه عدالت (خورسندی)
	۰۰۰	سطح معناداری	
۱۰۰	۱۰۰	تعداد آزمودنی‌ها	

با توجه به جدول (۴)، میزان همبستگی بین دو پرسش‌نامه در سطح $0/00$ برابر $0/711$ می‌باشد. این میزان از همبستگی نشان‌دهنده تأیید روایی ملاک پرسش‌نامه انصاف اسلامی است.

تشابه دو مقیاس: علت این همبستگی معنادار را می‌توان از دو جهت تبیین کرد؛ نخست اینکه یک مؤلفه در این دو مقیاس، شبیه به هم است (مؤلفه عدم پیروی از هوای نفس خود و دیگران، در مقیاس خورسندی با مؤلفه مدیریت شهوات و هوس‌ها در مقیاس انصاف اسلامی). و ثانیاً این شباهت در تعدادی از گویه‌ها هم دیده می‌شود.

تمایز دو مقیاس: از آنجاکه مقیاس خورسندی، فقط به خصوصیات قاضی پرداخته است، از این‌رو، پرسش‌نامه محقق‌ساخته انصاف، جامع‌تر و کلی‌تر از مقیاس خورسندی است؛ به عبارت دیگر، انصاف را به صورت کلی بررسی کرده است و مقید به یک قشر خاصی نشده است.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از این پژوهش، ساخت و اعتباریابی پرسش‌نامه «انصاف براساس منابع اسلامی» بود. هریک از مؤلفه‌هایی که از آیات و روایات برای انصاف استخراج شده‌اند، مجموعه اجزای تشکیل‌دهنده انصاف می‌باشند؛ اولین مؤلفه انصاف که «ترس از خدا» است؛ یعنی افراد متقی، در تعامل با مردم، انصاف را رعایت می‌کنند. دومین مؤلفه انصاف که «عدم تعصب کورکورانه» است، به معنای این است که انسان، با وجود اینکه از یک قوم و قبیله و نژاد هستند، حق را به حق‌دار بدهد. سومین مؤلفه انصاف یعنی یکسان‌انگاری خود - دیگری است؛ بدین معنا که فردی بتواند در رسیدن به حق، همان اندازه که برای خودش مهم است، به دیگران نیز اهمیت و ارزش قائل شود. چهارمین مؤلفه انصاف که «مدیریت شهوات و هوس‌ها» است؛ یعنی هر کسی اگر بتواند شهوات و هوس‌های خود را کنترل کند، به سهولت می‌تواند در حق دیگران انصاف را رعایت کند. پنجمین مؤلفه انصاف عدم ترجیح افراد در موقع حکم می‌باشد؛ بدین معنا که شخص منصف، موقع حکم کردن، افراد آشنا و غریبه برای او تفاوتی ندارند. ششمین مؤلفه انصاف گفتن حق تحت هر شرایطی هرچند بر ضرر خویش می‌باشد؛ بدین معنا که ویژگی افراد منصف اقرار به حق می‌باشد، هرچند بر ضرر خویش باشد. هفتمین مؤلفه انصاف که «سوءاستفاده نکردن از قدرت و جایگاه» است؛ یعنی افراد باانصاف با زیردستان خود منصفانه رفتار می‌کنند.

نتایج سنجش روایی محتوا و ملاکی نشان داد که این پرسش‌نامه، روایی لازم را برای سنجش انصاف، مطابق با آنچه از اسلام برداشت شده داراست. پایایی پرسش‌نامه نیز با روش همسانی درونی یا ضریب آلفای کرونباخ مورد محاسبه قرار گرفت. نتایج فوق نشان داد که پرسش‌نامه از پایایی بالایی برخوردار است؛ به عبارت دیگر، ثبات، پایایی و قابلیت پیش‌بینی و دقت پرسش‌نامه مورد تأیید است؛ یعنی این پرسش‌نامه برای استنباط نمره انصاف در مورد پاسخ‌دهندگان ابزاری مفید، بامعنا و مناسب به‌شمار می‌رود.

منابع

- نهج البلاغه، ۱۳۷۹، تصحیح فیض الاسلام، چ پنجم، تهران، مشرق.
- انصاریان، حسین، ۱۳۸۶، *زیبایی‌های اخلاق*، قم، دارالعرفان.
- آمارتیا کومار، سن، ۱۳۹۱، *دیکشنری انگلیسی-فارسی*، ترجمه عزیزی، تهران، نشر نی.
- آذربایجانی، مسعود، سیدمهدی موسوی اصل، ۱۳۸۷، *درآمدی بر روان‌شناسی دین*، چ دوم، تهران، سمت.
- آذربایجانی، محمدرضا و همکاران، ۱۳۸۷، *روانشناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی*، چ سوم، تهران و قم، سمت و پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- بوربا، میکله، ۱۳۹۰، *پرورش هوش اخلاقی در کودکان*، ترجمه فیروزه کاووسی، تهران، رشد.
- پاینده، ابوالقاسم، ۱۳۸۲، *نهج الفصاحه*، تهران، علمی.
- پترسون، کریستوفر و مارتین ای بی سلیگمن، ۲۰۰۴، *روانشناسی مثبت فضایل و توانمندی‌های شخصیت*، ترجمه کورش نامداری و همکاران، اصفهان، یارمانا.
- مصطفوی، حسن، ۱۳۶۰، *ترجمه مصباح الشریعه و مفتاح الحقیقه*، تهران، پیام حق.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، ۱۳۶۶، *تصنیف غررالحکم و دررالکلم*، تحقیق مصطفی درایتی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- جمشیدی، محمدحسین، ۱۳۸۰، *نظریه عدالت*، تهران، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
- حسینی زبیدی، محمدمرتضی، ۱۴۰۸ق، *تاج العروس*، قم، دارالهدایه.
- دلشاد تهرانی، مصطفی، ۱۳۷۶، *سیره نبوی*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۷، *لغت‌نامه*، زیر نظر محمد معین و سیدجعفر شهیدی، تهران، دانشگاه تهران.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ق، *مفردات الفاظ قرآن*، بیروت، دارالقلم.
- رضائیان، علی، ۱۳۸۴، *انتظار عدالت و عدالت در سازمان* (مدیریت رفتار سازمانی پیشرفته)، تهران، سمت.
- شریعتمداری، مهدی، ۱۳۸۸، *تحقیق و پژوهش در علوم رفتاری*، تهران، کوهسار.
- فیومی، احمد بن محمد، ۱۳۷۲، *مصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر*، تصحیح محی‌الدین عبدالمجید، قم، دارالهجره.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۳۸۹، *المیزان*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- عیاشی، محمدبن مسعود، ۱۳۹۵، *تحقیق و ترجمه کتاب تشریح تفسیر العیاشی*، ترجمه عبدالله صالحی، قم، ذوی القربی.
- عسکری، ابوهلال و نورالدین جزایری، ۱۴۱۰ق، *معجم الفروق اللغویه*، قم، بصیرتی.
- کلینی، محمدبن یعقوب، ۱۳۷۵، *اصول کافی*، ترجمه محمدباقر کمره‌ای، قم، اسوه.
- گرات مارنات، گری، ۱۳۷۵، *راهنمای سنجش روانی برای روان‌شناسان بالینی، مشاوران و روان‌پزشکان*، ترجمه حسن پاشا شریفی و محمدرضا نیکخو، تهران، رشد.
- مهدوی کنی، محمدرضا، ۱۳۸۶، *اهمیت انصاف در اخلاق جمعی*، چ سوم، قم، قائم آل محمد علیه السلام.
- نوری طبرسی، میرزا حسین، بی‌تا، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، قم، آل‌البتیت.
- نراقی، مهدی، ۱۳۹۰، *جامع السعادات*، ترجمه کریم فیضی، چ سوم، قم، قائم آل محمد علیه السلام.